

پژوهشهای حقوقی

شماره ۱

هزار و سیصد و هشتاد و یک - نیمسال اول

مقالات

- قانون تجارت ایران و ضرورت بازنگری در آن
- توسعه مسئولیت بین‌المللی در پرتو حقوق بین‌الملل محیط زیست
- تأملاتی در باب جایگاه قانونی شورای عالی اداری و مرتبه مصوبات آن
- شروط تحمیلی از دیدگاه قواعد عمومی قراردادها
- تعامل میان حقوق و سیاست بین‌الملل

موضوع ویژه: حقوق رسانه‌ها

- میزگرد راجع به جرایم مطبوعاتی
- حدود قانونی آزادی رسانه‌ها در زمان جنگ: ایالات متحد آمریکا
- رژیم مسئولیت مدنی و کیفری رسانه‌ها در حقوق فرانسه
- دادرسی دعاوی مطبوعاتی در حقوق انگلستان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

گزارش و معرفی

- گزارشی از اولین کنفرانس آموزش و تحقیق حقوق بین‌الملل در آسیا
- آشنایی با مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش





http://jlr.sdil.ac.ir/article_44969.html

رژیم مسؤولیت مدنی و کیفری رسانه‌ها در حقوق فرانسه*

امانوئل دآوکس

ترجمه‌ی گروه پژوهشی حقوق جزا و جرم‌شناسی
مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش

چکیده: هر چند آزادی مطبوعات در کشور فرانسه از جایگاهی مستحکم برخوردار است اما برای حراست از منافع عمومی و حقوق دیگران قید و بندهای مختلفی به آن اصل وارد آمده است. نقض این محدودیتها می‌تواند مسؤولیت مدنی و یا کیفری شخص ذی‌ربط را در پی داشته باشد.

واژگان کلیدی: آیین دادرسی، جرم، انتشار، حقوق ارتباطات، مسؤولیت مدنی، مسؤولیت کیفری، فرانسه.

به رغم وجود مقررات گوناگون و انواع نظارتها و تدابیر اداری حاکم بر فعالیتهای رسانه‌ای، آنچه متعاقب قانون مورخ ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ در مورد محتوای نوشتارها و پیامها و آثار منتشره رسماً تثبیت شده است اصل «آزادی مطبوعات» است که امروزه در معنایی گسترده، آزادی بیان، اطلاع رسانی، و ارتباطات را پوشش می‌دهد. بدیهی است که چنان آزادی‌ای نمی‌تواند مطلق باشد و لزوماً محدودیتهای و تضییقاتی را می‌طلبد تا از تعرض به منافع عمومی و یا حقوق فردی اشخاص اجتناب شود. این امر بی‌نیاز از توضیح است که تعرض به بنیانهای اجتماعی و یا خسارات فردی تحت لوای اصل آزادی مطبوعات، مجازات و جبران خسارت در پی خواهد داشت؛ و موضوع رژیم مسؤولیت مدنی را همین بحث تعهد به جبران خسارت تشکیل داده، و مسؤولیت کیفری نیز حول محور مجازات و دفع آن اعمال مجرمانه به گردش درمی‌آید.

اما آنچه در مورد رژیم مسؤولیت دشوار می‌نماید تعریف و تبیین آن چیزی است که

* Emmanuel Derieux, *Droit de la Communication*, 2e édition, L.G.D.J., 1994, pp. 365 - 382.

در محتوای پیامهای منتشره، به عنوان سوء استفاده از آن اصل تلقی می‌شود؛ به عبارت دیگر تعیین آنچه حدود آزادی ارتباطات را در می‌نوردد و مسئولیت را دامن می‌زند چندان ساده نیست. در این راستا باید به موازنه‌ای مقبول میان آزادی ارتباطات از یک سو، و پاسداری از منافع فردی و جمعی از سوی دیگر دست یافت.

در کشور فرانسه آزادی ارتباطات مانند سایر حقوق و آزادیها - که این آزادی به نوبه خود سبب استحکام، و سوء استفاده از آن موجب به مخاطره افتادن آنها می‌شود - در شرایطی تضمین می‌گردد که مقررات ماهوی یا مقررات مربوط به مسئولیت نیز در این زمینه جزء نظام حقوقی شده به نحوی که حتی جنبه کیفری دارد. حدود آزادی و یا به عبارت دقیق‌تر سوء استفاده از آزادی، قبلاً توسط قانون تعیین و تعریف شده است. این موضوع بر عهده‌ی دادرس است تا بر اساس این تعاریف قانونی، تخلفات و سوء استفاده‌ها را تشخیص داده، مجازات و کیفر متناسب با آنها را اعمال نموده، حکم جبران خسارات وارد شده را صادر نماید. بدین ترتیب، این امکان به وجود می‌آید تا تعارضات احتمالی بین حقوق و منافع مختلف در شرایطی منصفانه‌تر و متعادل‌تر، مرتفع گردد.

عنصر اساسی حقوق ارتباطات که همان رژیم مسئولیت یا مقررات ماهوی است، تنها مبین ساختار و بافت اصل مطروحه در ماده ۱۱ اعلامیه ۱۷۸۹ حقوق بشر و شهروند است که بر اساس آن؛

«تبادل آزاد افکار و عقاید یکی از گرانبهاترین حقوق بشر محسوب می‌شود و از این رو هر شهروند می‌تواند آزادانه بیان کند، بنویسد و به چاپ برساند مگر در مواردی که قانون آن را به عنوان سوء استفاده از این آزادی بر شمرده باشد».

جرایم مرتبط با فعالیت‌های ارتباطاتی علاوه بر تنوع و تفاوت‌های ماهیتی زیادی که دارند، به دلیل متونی که آنها را تبیین می‌کنند نیز تابع رژیم‌های کاملاً متفاوتی هستند، - امری که بدون شک توجیهی برای آن نمی‌توان یافت - و این تفاوت به ویژه در زمینه تعیین فرد مسئول و مجموعه قواعد شکلی مربوط به آیین دادرسی، همچون مدت مرور زمان و سایر تشریفات الزامی برای رسیدگی، به چشم می‌خورد. بر این اساس، ناگزیر باید میان جرایم تعریف شده در قانون سال ۱۸۸۱ (که مجازات موضوع تابع قواعد ویژه‌ای است و در مقابل زیان متضررین از این جرایم نسبت به مرتکبین جنبه حمایتی دارد) و سایر قوانین، تفکیک قائل شد.

از این رو، در بحث حاضر تنها رژیم عمومی این جرایم، مورد بررسی قرار می‌گیرد و جرایم تعریف‌شده در قانون ۲۸ ژوئیه ۱۸۸۱ نیاز به بررسی جداگانه دارد.

عناصر متشکله جرایم رسانه‌ای، تعقیب و مسؤولیت ناشی از آنها

محتوای اطلاعات، پیامها یا عقایدی که از طریق یکی از وسایل ارتباطی به اطلاع عموم می‌رسد، ممکن است در صورت تجاوز از حدود مقرر یا سوء استفاده، موجب خساراتی برای افراد یا بروز بی‌نظمی‌هایی در جامعه شود. این امر می‌بایست مسؤولیت عاملین آن را در پی داشته باشد که چگونگی و طریقه مجازات و جبران خسارت آن توسط قاضی مشخص می‌گردد.

در اینجا تفکیک میان جرایم مصرحه در قانون ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ که تابع آن مقررات خاص بوده و امروزه ممکن است از طریق رسانه‌های نوشتاری یا هر وسیله و روش ارتباطی دیگر محقق شوند با سایر جرایم مرتبط با محتوای این‌گونه ارتباطات که در دیگر قوانین تعریف شده و تابع قواعد عمومی جرایم و مجازاتها هستند ضروری به نظر می‌رسد.

این تمایز میان جرایم مصرحه در قانون ۱۸۸۱ و سایر قوانین، ما را بر آن می‌دارد تا برای تعیین دقیق مقررات حاکم در زمینه آیین دادرسی و رسیدگی ماهوی در این جرایم، تعریف دقیقی از این جرایم و متونی که به آنها تصریح دارد، ارائه دهیم. اختلاف میان این قوانین خود منشأ مشکلات فراوانی است، چرا که این امر سبب می‌شود تا تنها به دلایل شکلی، تعقیب و مجازات جرایم ارتکاب یافته متوقف گردد و بدین ترتیب مرتکبین این جرایم از تحمل کیفر بگریزند. علاوه بر آن، چنین وضعیتی به لزوم همگونی و یکپارچگی حقوق ارتباطات آسیب می‌رساند.

در هر حال، چه به علت عناصر تشکیل دهنده‌ی این جرایم یا رژیم مسؤولیت ذی‌ربط، و چه به علت مقررات شکلی لازم‌الاجرا، بسیاری از این جرایم بدون توجه به اوصاف یا ماهیت خاصی که دارند، تابع مقررات ویژه‌ای مانند قانون ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ یا سایر متون قانونی هستند ولی مابقی این جرایم تابع قواعد عمومی جرایم و مجازاتها، که کاملاً از گروه اول متمایز بوده، هستند.

حال این قواعد و مقررات را با توجه به ویژگی فنی و مختلط آنها از دو بعد جرایم و

مجازاتها مورد بررسی قرار می‌دهیم. سعی ما بر این است تا در هر قسمت مواردی را که منحصر به جرایم مندرج در قانون ۱۸۸۱ بوده همراه با مواردی که شامل تمامی جرایم مربوط به محتوای رسانه‌ها است، مشخص نماییم.

تحقق جرایم

برای بررسی چگونگی و شرایط تحقق جرایم رسانه‌ای لازم است با توجه به تمایز رژیم حاکم بر تمامی جرایم رسانه‌ای بدون توجه به ماهیت و متونی که آنها را تعریف می‌کند به بحث و بررسی پیرامون عناصر متشکله و مسؤولیت ناشی از این جرایم پرداخته شود.

مبحث اول: عناصر متشکله جرایم رسانه‌ای

در بحث پیرامون عناصر متشکله جرایم رسانه‌ای، و به ویژه رژیم قابل اعمال نسبت به آنها در قانون ۱۸۸۱ ویژگی خاصی که در این مورد مشاهده می‌شود و بدون شک می‌توان آن را به سایر جرایم مرتبط با وسایل رسانه‌ای نیز تسری داد، از دو جهت قابل بررسی است. از یک طرف انتشار و اطلاع به عموم مردم، و از طرف دیگر احراز قصد ارتکاب جرم و خواست پیامدهای آن از جانب مرتکب است.

گفتار اول: انتشار

بدون تردید انتشار، ویژگی اصلی و اساسی‌ترین عنصر متشکله جرایم مرتبط با محتوای برنامه‌های رسانه‌ای و شرط لازم آن محسوب می‌شود. اصولاً جرمی از این نوع، بدون انتشار و بی‌آنکه در معرض اطلاع عموم قرار گیرد، قابل تصور نیست. حقوق ارتباطات، همان حقوق انتشار بوده یا می‌باید باشد و این امر به ویژه در زمینه‌ی رژیم مسؤولیت صادق است. در هر حال، با اینکه تا این حد انتشار در زمینه‌ی جرایم مرتبط با وسایل ارتباطی حائز اهمیت است، ولی هیچ‌یک از قوانین ذی‌ربط تعریف دقیقی از این اصطلاح به دست نمی‌دهند.

تشخیص اینکه یک نوشته یا سخنرانی خصیصه عمومی دارد یا خیر، همواره امری آسان نیست، چرا که حتی تعداد نسخه‌های تکثیر شده‌ی آن نوشته یا افرادی که در جلسه‌ی سخنرانی حضور داشته‌اند، به تنهایی برای اینکه به آن نوشته یا سخنرانی وصف عمومی یا خصوصی بدهد، کافی نیست. به همین ترتیب، محل برگزاری

سخنرانی یا توزیع نوشته نیز نمی‌تواند به تنهایی تعیین‌کننده باشد. در اینجا باید خاطر نشان کرد که وجود یا فقدان رابطه‌ای (دوستانه، خانوادگی، حرفه‌ای، صنفی و ...) که مخاطبین یا گیرندگان پیام را به هم پیوند دهد نیز قابل توجه است.^۱

حتی در مورد فعالیت‌های رسانه‌ای نیز تمامی شاخه‌ها و نظام‌های قضائی (مسؤولیت، مالکیت ادبی و اعمال اداری...) که حاکم بر این حقوق است تلقی و تعریفی دقیق از آنچه عمومی یا خصوصی است، ندارند. به هر حال با توجه به اهمیت اساسی مفهوم انتشار در تعیین دامنه‌ی شمول قانون ارتباطات، به ویژه رژیم مسؤولیت آن، کاملاً منطقی و موجه می‌نماید که انتظار همگونی و صراحت بیشتر این مفهوم را داشته باشیم.

۱. مفهوم انتشار در قانون ۱۸۸۱

با وجود عدم تعریف مشترک و مشخص از این عنصر متشکله اساسی، با کمال تعجب مشاهده می‌کنیم که در قانون ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ در مورد بعضی جرایم به ابزارها و روش‌های مختلف از انتشار اشاره شده است. هرچند در ماده‌های اول این قانون از مطبوعات، چاپخانه و کتابخانه (ماده اول)، اعلامیه‌های منتشر شده (ماده ۲)، نشر هر مطلب چاپی (ماده ۳)، تمامی روزنامه‌ها و مطالب نوشتاری ادواری (ماده ۵ به بعد)... یاد می‌شود، ولی ماده ۲۳ به مناسبت ارائه تعریف تحریک به ارتکاب جرم و بزه، به گونه‌ای گسترده و کلی بسیاری از روشها و شیوه‌های انتشار را در بر می‌گیرد:

«... سخنرانی، فریاد یا تهدیدهای اعمال شده در مکانها یا مجامع عمومی، اعلامیه‌ها و جزوات توزیع شده یا فروخته شده، در معرض فروش یا نمایش قرار دادن این اعلامیه‌ها در مکانها و مجامع عمومی و...، پلاکارد، تابلوهایی که در معرض دید عموم قرار می‌گیرد».

در مواد بعدی نیز در تعریفی که از سایر جرایم می‌شود، به روشهای مندرج در این ماده ارجاع شده است (ماده ۲۴ و ۲۵).

ماده ۲۸ قانون ۱۸۸۱ نیز در پی تعریف هتک عفت عمومی، در جهت بیان عناصر متشکله جرم و یا حتی به عنوان روشهایی برای در معرض اطلاع عموم قرار دادن، از این موارد یاد می‌کند:

^۱ بنابراین برای مثال بخش داخلی یک سند برای همکاران مستقیم یک مجموعه حرفه‌ای که حداقل در رابطه با رژیم مسؤولیت، یک اقدام انتشاراتی محسوب نمی‌شود، نیز همین وضع را دارد.
(Cass. Civ., 2e novembre 1972, Gaz. Pal., 17 avril 1973.)

«در معرض فروش قرار دادن، توزیع، نمایش تصاویر، گراور، نقاشی، علامات یا نشانه‌ها».

مواد بعد از آن نیز به موارد یاد شده در ماده ۲۳ و ۲۸ ارجاع می‌دهند (مانند ماده ۳۱ و ۳۳). این ماده بر اساس تصویبنامه ۲۹ ژوئیه ۱۹۳۹ ملغی شد و با الغای این ماده، موارد و روشهای مندرج در آن نیز می‌باید از متن قانون ۱۸۸۱ حذف گردد، ولی علی‌رغم آن، مواد دیگر را همچنان به این ماده ارجاع می‌دادند.

با این حال قانون اول ژوئیه ۱۹۷۲ با اضافه نمودن مقررات جدیدی در مورد تعریف مجازات و جرایم دارای خصوصیت نژادپرستانه به قانون ۱۸۸۱، موارد برشمرده شده در ماده ۲۸ را نیز که پیش از این ملغی شده بود، به ماده ۲۳ اضافه نمود^۲ و بدین ترتیب ماده ۲۳ تقریباً در برگیرنده‌ی اکثر روشها و ابزارهای انتشار گردید:

«سخنرانیها، فریاد زدن‌ها و تهدید کردن در مکان‌ها و مجامع عمومی، اعلامیه‌ها، نوشتارها، طرحها، گراور، نقاشی، علائم و نشانه‌ها، تصاویر و یا هر نوع نوشتار یا سخنی که منتشر شود یا در معرض فروش قرار گیرد یا در مکانها و مجامع عمومی، پلاکاردها، تابلوهای اعلانات که در معرض دید عموم قرار داده شود».

در هر حال، ماده ۲۳ قانون ۱۸۸۱ به وسیله‌ی ماده ۱۸ قانون ۱۳ دسامبر ۱۹۸۵ که مقررات ویژه‌ای را در مورد ارتباطات سمعی و بصری در بر دارد، تکمیل گردید. «تمام وسایل ارتباطی سمعی و بصری» نیز به موارد یاد شده در ماده ۲۳ اضافه شد. ارتباطات سمعی و بصری نیز که در ماده اول قانون ۲۹ ژوئیه ۱۹۸۲ ذکر شده، عبارت است از: «در اختیار عموم قرار دادن صوت، تصویر، اسناد، اطلاعات و پیامهایی از هر نوع، از طریق امواج رادیویی یا کابل».

ماده ۲ قانون ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۶ نیز مقرر می‌دارد:

«به اطلاع عموم یا گروههای عمومی رسانیدن علائم و نشانه‌ها، نوشته‌ها، تصاویر، صوت یا

^۲ برای اینکه برخی از اعمال افترا آمیز بی‌کیفر باقی نمانند، رویه قضائی مبین آن است که نسخ ماده ۲۸ تنها به جرایم توهین با حسن نیت مربوط می‌شود. استفاده از یکی از ابزارهای انتشاراتی پیش‌بینی شده در ماده ۲۸ سابق که ماده ۳۲ به آن ارجاع داده است همچنان ادامه دارد، و به عنوان افترا قابل مجازات باقی می‌ماند. معذک چندان روا نیست که بینیم قانونگذار هنگام اصلاح ماده ۳۲، مفاد ماده‌ای که در واقع نسخ شده است را همچنان تأیید کند، و آن را در جای خود ابقا کرده و بدین ترتیب قابلیت اعمال داشته باشد.

پیامهایی از هر نوع و از طریق روشهای ارتباطی از راه دور که مخاطب آنها یک گروه خاص نباشد».

۲. مفهوم انتشار در سایر متون حقوق ارتباطات

در این متون نیز در مقام تعریف جرایم مرتبط با وسایل ارتباط جمعی، (به لحاظ محتوای برنامه‌ها) به استفاده از ابزارها و روشهای مختلف انتشار به عنوان یکی از عناصر متشکله‌ی جرم اشاره شده است. به موجب مواد ۳۶۸ تا ۳۷۲ قانون جزای سابق که در باب تعرض به زندگی خصوصی آمده، قرار دادن بعضی از اسناد و مدارک در معرض اطلاع عموم یا شخص ثالث یا استفاده علنی از آنها جرم تلقی شده است. در همین مواد، به منظور تعیین افرادی که تعقیب کیفری علیه آنها باید صورت گیرد، طریقه انتشار (مطبوعات یا رادیو و تلویزیون) نیز مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر آن، این مواد در مواردی به ماده ۲۸۵ همین قانون نیز ارجاع داده‌اند. این ماده رژیم مسؤولیت جرایم مربوط به هتک عفت عمومی «از طریق مطبوعات» را تعیین می‌نماید.

ماده ۲۲۶-۲ قانون جزای جدید نیز انتشار اسناد یا مدارک یا قرار دادن آنها در معرض آگاهی عموم یا هر شخص ثالث در شرایط تعیین شده را به عنوان تعرض به زندگی خصوصی قلمداد نموده است. رژیم مسؤولیت در این زمینه نیز به جرایم ارتكابی از طریق رسانه‌های نوشتاری و سمعی و بصری ارجاع شده است. مقررات قانون فروش نوبابه نیز مواردی را برشمرده که به موجب آن بعضی از تبلیغات، مخصوصاً از طریق «رسانه‌های نوشتاری» و از طریق «برنامه‌های رادیویی» در جهت تشویق به مصرف الکل تلقی می‌گردد.

حال با توجه به اهمیت اساسی انتشار به عنوان عنصر متشکله‌ی اصلی جرایم مرتبط با وسایل ارتباط جمعی، کاملاً بجای و منطقی به نظر می‌رسد که انتظار داشته باشیم تعریفی دقیق، صریح و همگون از آن ارائه گردد.

از اینها گذشته، مسائلی همچون تاریخ شروع، مدت مرور زمان و همچنین تعیین دادگاه صالح نیز به مفهوم انتشار بستگی دارد. به عبارت کلی‌تر، می‌توان گفت تعیین دامنه‌ی شمول قانون ارتباطات و اصولاً تعریف آن، به تعیین مفهوم اصطلاح «انتشار» بستگی دارد.

گفتار دوم: قصد مجرمانه

برای اینکه جرمی بر اساس قانون ۱۸۸۱، یا به عبارت کلی تر یکی از جرایم مرتبط با وسایل ارتباط جمعی تحقق یابد، فعل انتشار شرط لازم آن است، اما قصد مجرمانه هم می‌بایست وجود داشته باشد. قصد ارتکاب جرم با در معرض اطلاع عموم قرار دادن نوشته‌ها یا صحبت‌هایی از روی عمد و با علم به اینکه [این اعمال] جرم است، تحقق می‌یابد. به عبارت دیگر قصد مجرمانه عبارت است از شناخت و آگاهی نسبت به ارتکاب امری ممنوع.

اصولاً مباشر یک سخنرانی یا انتشار یک نوشتار در صورتی که آن عمل را بر خلاف میل یا در اثر بی‌اطلاعی، یا با این گمان که این موارد پیش از آن توسط دیگری منتشر شده، انجام داده باشد، مسئول قلمداد نمی‌گردد.^۳ تنها کسی مسئول شناخته خواهد شد که با آگاهی و قصد ارتکاب جرم نسبت به انتشار یک نوشتار یا سخنرانی اقدام نماید. با وجود این، با توجه به فن‌آوری، ابزارها، شیوه‌ها و شرایط انتشار و همچنین بعضی از مقررات خاص قانون ۱۸۸۱ و سایر قوانینی که به جرایم رسانه‌ای می‌پردازد، رژیم مسؤلیت در مواردی تابع مقررات ویژه‌ای خواهد بود.

مبحث دوم: مسؤلیت ناشی از جرایم رسانه‌ای

جرایم رسانه‌ای می‌توانند سبب بروز بی‌نظمی اجتماعی شده، موجب ایراد خسارت به افراد شوند. این امر مسؤلیت مرتکب را در پی خواهد داشت که باید عواقب آن را پذیرا باشد. در اینجا اگر متضررین از جرم افراد و گروه‌های خاص باشند، تعهد به جبران خسارت یا مسؤلیت مدنی طرح می‌گردد و اگر جامعه در مفهوم کلی آن متضرر شده باشد، مجازات یا مسؤلیت کیفری مطرح خواهد شد.

گفتار اول: مسؤلیت مدنی

مسؤلیت مدنی عبارت است از تعهد به جبران خسارات وارد شده به دیگری، افراد یا گروه‌ها. از این رو، قانون ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ به صراحت در ماده ۴۴ نسبت به خسارات

^۳ معذک نباید در این امر چنان سهل‌انگاری و بی‌احتیاطی شود که در مورد افشانات یا اسراری که بعداً شخص ادعای مجرمانه بودن آنها را داشته باشد، شاهد اقدام یک روزنامه‌نگار به شیوه‌ای تحریک‌آمیز باشیم. در چنین مواردی، تجاوز به زندگی خصوصی مطرح است. ماده ۲۲۶۲ قانون مجازات جدید آن را تحت عنوان عمل «چیزی را به اطلاع ثالث رسانیدن» جرم می‌داند.

ناشی از جرایم مصرحه در این قانون بیان می‌دارد که؛

«صاحب امتیاز هر نشریه یا نوشتار ادواری مسؤول محکومیت‌های مالی اعلام شده به نفع اشخاص ثالث یا قربانیان این جرایم است»^۴

و این امر منطبق با مفاد مواد ۱۳۸۲ به بعد قانون مدنی است.^۴

رژیم مسؤولیت مدنی مورد نظر قانون ۱۸۸۱ برای خسارات ناشی از «روزنامه‌ها یا نوشتارهای ادواری» باید به سایر تکنیکها یا وسایل ارتباط جمعی نیز همچون سینما، رادیو، تلویزیون، کتاب، تابلوهای اعلانات و... تسری داده شود.

در مورد خسارات ناشی از جرایم مرتبط با محتوای برنامه‌های وسایل ارتباط جمعی که در قوانینی به جز قانون ۱۸۸۱ به آنها تصریح شده، یا به طور کلی خسارات مستقل از جرایم کیفری، قواعد عمومی مسؤولیت مدنی نیز تفاوت چندانی با آنچه قانون ۱۸۸۱ پیش‌بینی می‌کند، ندارد. ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی به اصل مسؤولیت کارفرما در قبال اعمال و اقدامات کارکنان و نمایندگان اشاره می‌کند. اما رژیم مسؤولیت کیفری مرتبط با جرایم ارتباط جمعی از ویژگیها و پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است.

گفتار دوم: مسؤولیت کیفری

جرایم مختلف، موجب بروز بی‌نظمی‌ها و اغتشاشاتی در اجتماع می‌گردند، و مسؤولیت کیفری، همان الزام به تحمل عواقب این اعمال در مقابل جامعه است. کسی که در زمینه جرایم رسانه‌ای از جنبه کیفری مسؤول شناخته می‌شود، به پرداخت جزای نقدی و در موارد بسیار نادر و استثنایی، به زندان محکوم می‌گردد.

ویژگی رژیم مسؤولیت کیفری جرایم رسانه‌ای از حیث محتوای برنامه‌ها، تعیین فرد مسؤول است که در آن مواردی از انتقال مسؤولیت مشاهده می‌شود. علاوه بر آن، این رژیم حاوی برخی محدودیتها بر مسؤولیت یا به عبارت دقیقتر عدم مسؤولیت یا

^۴ ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی فرانسه: «هر فعلی از افعال انسان که باعث ورود زیان به دیگری شود، فاعل فعل زیانبار را ملزم به جبران خسارت می‌کند.»

ماده ۱۳۸۳ قانون مدنی فرانسه: «هر شخص نه تنها مسؤول خساراتی است که بر اثر اقدام او وارد شده است بلکه همچنین مسؤول خساراتی است که به واسطه سهل‌انگاری و بی‌احتیاطی او وارد می‌شود.»

ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه: «انسان نه تنها مسؤول خساراتی است که از اقدام او ناشی می‌شود، بلکه همچنین مسؤول خسارات وارد شده از ناحیه اشخاصی است که وی پاسخگوی اعمال آنهاست.»

مصونیت است.

۱. تعیین فرد مسؤول

برای تعیین فردی که از نظر کیفری مسؤول تلقی می‌گردد، باید میان رژیم مسؤولیت «طولی»^۵ قانون ۱۸۸۱ و رژیم مسؤولیت در سایر متون قانونی، تفاوت قائل شد.

الف) رژیم مسؤولیت طولی مذکور در قانون ۱۸۸۱

رژیم مسؤولیت ویژه‌ای که ماده ۴۲ قانون ۱۸۸۱ به آن اشاره دارد، سیستم طولی مسؤولیت نامیده می‌شود، چرا که بر اساس این ماده؛

«افراد زیر به عنوان عاملین اصلی جرایم مطبوعاتی شناخته می‌شوند... [منظور تنها جرایمی است که در قانون ۱۸۸۱ آمده و از طریق شیوه‌های انتشار مذکور در این قانون ارتکاب می‌یابند]:

۱. مدیران مطبوعات یا ناشران
۲. در غیر این صورت نویسندگان (منظور مواردی است که محاکمه این افراد به دلیلی امکان‌پذیر نباشد).

۳. در صورت عدم دسترسی به نویسنده، چاپ‌کننده

۴. در صورت عدم دسترسی به چاپ‌کننده، فروشنده، توزیع‌کننده و تبلیغ‌کننده».

بدین ترتیب، با مسؤول قلمداد شدن افراد پایین‌تر در صورت نبودن افراد رده‌ی بالاتر، مسؤولیت از بالا به پایین مشخص می‌شود. لازم به ذکر است که شاید از جهتی دیگر بتوان این مسؤولیت را از پایین به بالا نیز دانست، چرا که بر اساس قانون ۱۸۸۱ مدیران مطبوعات یا ناشران هستند که عامل اصلی جرم قلمداد می‌شوند، در حالی که آنها شخصاً هیچ نقشی در تحقق جرم ندارند، بلکه همکاران یا حتی زیردستان آنها مرتکب جرم شده‌اند.

رژیم ویژه مسؤولیت از بالا به پایین همچون سایر متون قانونی حقوق کیفری باید مورد تفسیر مضیق قرار گیرد. ساختار این مقررات به گونه‌ای است که تا همین اواخر تنها بر آن دسته از ابزار و اشکال ارتباط جمعی قابل انطباق بود که شامل متصدیان چاپ،

^۵ En Cascade در لغت به معنی آبشار و یا از «بالا به پایین» است و معنی و مفهوم آن این است که در انتساب مسؤولیت عدم دسترسی به افراد مافوق می‌تواند باعث طرح مسؤولیت افراد مادون شود. به نظر می‌رسد واژه «رژیم طولی مسؤولیت» گویای چنین مفهومی باشد.

فروشنده، توزیع‌کننده و تبلیغ‌کننده بودند و در سایر موارد رژیم مسؤولیت کیفری شخصی قابل اعمال بود.^۶ ولی در مقررات جدید همچون قانون ۱۳ دسامبر ۱۹۸۵، وسایل ارتباط جمعی سمعی - بصری نیز به این موارد اضافه شده است.

بر اساس ماده ۳-۹۳ قانون ۲۹ ژوئیه ۱۹۸۲ که به موجب قانون ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۶ همچنان قابل اجرا تلقی شد، در مورد جرایم رسانه‌ای که توسط یکی از وسایل ارتباط جمعی سمعی - بصری ارتکاب می‌یابند،

«مدیر یا معاون پخش مورد تعقیب قرار می‌گیرد»^۷

سایر عناصر رژیم مسؤولیت طولی نیز به موجب این قانون از این قرار است:

«در غیر این صورت، مباشر و در صورت نبود مباشر، تهیه‌کننده به عنوان مباشر اصلی جرم تحت تعقیب قرار خواهد گرفت».

با وجود این، باید خاطر نشان کرد که ماده ۳-۹۳ تنها در موردی بر جرایم ارتكابی توسط وسایل ارتباط جمعی سمعی - بصری منطبق خواهد بود که؛

«موضوع مطلب منتشر شده، پیش از آنکه در معرض اطلاع عموم قرار گیرد [قبل از پخش] مشخص و معین باشد»؛

^۶ مدیر یک ایستگاه پخش رادیویی را نمی‌توان از نظر کیفری مسؤول افترا بی دانست که به وسیله مستخدمان او صورت می‌گیرد. زیرا بدیهی است که بک ایستگاه پخش برنامه، نه تصدی انتشار، نه نویسنده، نه چاپ‌کننده، نه توزیع‌کننده، و نه آگهی‌کننده است.

[Trib. Corr Dunkerque. 11 juin 1954, J.C.P., 1954, 11, 8229]

نظر به اینکه اگر مواد ۴۲، ۴۳ و ۴۴ قانون ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ یک نهاد ویژه جرایم مطبوعاتی و مسؤولیت موسوم به رژیم مسؤولیت طولی (کاسکاد) ایجاد کرده باشند این مواد، در وضعیت فعلی متون، تنها در خصوص مطبوعات نوشتاری قابل اجرا خواهند بود نه در خصوص جرایم مطبوعاتی صورت گرفته از طریق صدای پخش شده از رادیو که در مورد آنها تنها ممنوعیت‌های ناشی از حقوق عمومی باید اعمال شود. این موارد به طور خصوصی از طریق امواج ارسال شده است و گوینده عبارات افترا آمیز باید به عنوان مؤلف محسوب گردد.

[Trib. corr. Paris, 17e ch., 17 novembre 1975, Gaz.pal., 18 février 1976].

^۷ ماده ۲-۹۳ قانون ۲۹ ژوئیه ۱۹۸۲ که به وسیله قانون ۱۳ دسامبر ۱۹۸۵ معرفی شد و از رهگذر قانون سپتامبر ۱۹۸۶ وضع گردید مقرر می‌دارد که: «هر گونه خدمات ارتباطی رادیو - تلویزیونی، تصدی انتشار محسوب می‌شود».

وقتی که خدمت به وسیله یک شخص حقوقی ارائه می‌شود، مدیر انتشارات، رئیس اداره کننده یا شورای اداری است. اداره کننده یا نماینده حقوقی، بر حسب شکل شخص حقوقی معین می‌شود.

وقتی که خدمت توسط شخص حقیقی ارائه می‌شود مدیر انتشارات همان شخص حقیقی است.

یعنی تنها در موردی که برنامه از پیش ضبط شده باشد، چرا که تنها در این حالت مدیر می‌تواند از محتوای آن مطلع شده، جلوی پخش آن را بگیرد. بدین ترتیب، در موارد پخش مستقیم، به علت فقدان امکان نظارت قبلی، تنها مسئولیت شخصی مرتکب اصلی جرم، قابل تصور است.

مواد ۲۲۶-۲، ۲۲۷-۲۴، ۴۲۳-۱۶ و ۴۲۳-۲۵ قانون جزای جدید در مورد تعرض به زندگی خصوصی، حمایت از صغار و تعرض به اقتدار یا استقلال دادگستری، بیان می‌دارد که:

«چنانچه این جرایم از طریق رسانه‌های نوشتاری یا سمعی - بصری صورت گیرد، مقررات ویژه قانونی که بر این رسانه‌ها حاکم است، مجری خواهد بود».

بدین ترتیب، اکنون رژیم طولی مسئولیت بر این جرایم نیز منطبق است و از این نظر، اختلاف رژیم‌های مسئولیت نسبت به جرایم مختلف (قطع نظر از آنکه در قانون ۱۸۸۱ تعریف شده باشند یا نه) کاهش یافته است.

این قوانین با توجه به رژیم طولی مسئولیت، فردی را به عنوان مسؤول تعیین می‌کنند که ممکن است در واقع مسؤول نباشد، ولی این سبب نمی‌شود که از عاملان واقعی (مباشر نوشتارها، تصاویر یا سخنرانی‌ها) بگذرند بلکه او نیز به عنوان شریک جرم تحت تعقیب قرار می‌گیرد.

ماده ۴۳ قانون ۱۸۸۱ در مورد رسانه‌های نوشتاری بیان می‌دارد:

«هنگامی که مدیران مطبوعات یا ناشران متهم قلمداد می‌شوند، نویسنده نیز به عنوان شریک جرم تحت تعقیب قرار می‌گیرد».

این ماده در تبصره دوم خود این موارد را به قواعد عمومی مشارکت در جرم ارجاع داده و علاوه بر آن تصریح شده که افراد موضوع ماده ۶۰ قانون جزا می‌توانند به اتهام مشارکت تحت تعقیب قرار گیرند.^۸

باید توجه داشت که ماده ۴۳ قانون ۱۸۸۱ نسبت به قواعد عمومی مشارکت در جرم،

^۸ ماده ۶۰ قانون مجازات: «افراد زیر به عنوان معاون اقدامی که جنایت یا جنحه توصیف می‌شود مجازات خواهند شد: کسانی که ارتکاب چنین عملی را ترغیب کرده و یا برای ارتکاب آن تعلیم داده‌اند، کسانی که عالماً وسیله ارتکاب جرم یا هر وسیله‌ای که برای ارتکاب جرم به کار می‌آید تهیه نماید و یا کسانی که عالماً در تمهید یا تسهیل وقوع جرم به مرتکب یا مرتکبان جرم کمک یا مساعدت کرده باشند».

مواردی را استثنا نموده، مقرر می‌دارد که «متصدی چاپ به علت چاپ مطلب» شریک جرم محسوب نمی‌شود. قانونگذار با معافیت متصدی چاپ از هر نوع مسؤولیتی تحت عنوان مشارکت در جرم، می‌خواسته آزادی بیان را تضمین کند و متصدیان چاپ از ترس اینکه به علت مشارکت در جرم مسؤول قلمداد گردند، مرتکب سانسور یا امتناع از چاپ متنی که به آنها داده شده، نشوند.

ب) رژیم مسؤولیت در سایر متون حقوق ارتباطات

با بررسی این دسته از متون مشاهده می‌کنیم که جرایم رسانه‌ای مندرج در قانون جزای سابق، خصوصاً از رژیم مسؤولیتی متفاوت بر خوردارند. این رژیم بر جرایم ارتكابی پیش از تاریخ اول مارس ۱۹۹۴ (تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون جزای جدید) قابل اعمال خواهد بود.

ماده ۳۶۹ قانون جزای سابق با اشاره به جرایم مربوط به تعرض به زندگی خصوصی افراد، مقرر می‌دارد که:

«در صورت انتشار مطلب در مطبوعات، تعقیب کیفری با توجه به شرایط مندرج در این ماده علیه کسانی خواهد بود که شرح آن در ماده ۲۸۵ آمده است، ولی در صورت انتشار از طریق دیگر، تعقیب علیه کسانی صورت می‌گیرد که مسؤول ترویج باشند و در صورت فقدان چنین شخصی، رئیس مؤسسه، مدیر یا قائم مقام شرکتی که مبادرت به امر انتشار کرده، یا کسی که نفعی از این امر عایدش شده مسؤول است.»

ماده ۲۸۵ قانون جزای سابق که ماده ۳۶۹ به آن ارجاع شده، در زمینه‌ی «هتک عفت عمومی مخصوصاً از طریق مطبوعات و کتاب» رژیم مسؤولیتی تقریباً مشابه ماده ۴۲ قانون ۱۸۸۱ را مقرر می‌دارد. این ماده چنین بیان می‌دارد:

«هنگامی که جرایم از طریق مطبوعات ارتکاب می‌یابند، مدیران مطبوعات یا ناشران به عنوان مباشر اصلی جرم در نظر گرفته می‌شوند. در صورت عدم دسترسی به آنها، نویسنده و در صورت فقدان نویسنده، متصدی چاپ، توزیع‌کننده و تبلیغ‌کننده به عنوان مباشر اصلی جرم تحت تعقیب قرار می‌گیرند.»

با وجود این در هیچ‌یک از متون اشاره‌ای به این امر نشده که اگر ارتکاب جرم از طریق رادیو یا تلویزیون صورت گرفت، تکلیف چیست؟ از این رو در موارد اخیر، قواعد

عمومی مسئولیت کیفری اعمال می‌گردد.

مواد ۲۲۶ و ۲۲۷ قانون جزای سابق نیز برای تعیین فرد مسؤول در جرایم تعرض به اقتدار و استقلال دادگستری «که از طریق مطبوعات و کتاب» صورت بگیرد، به همین ماده ۲۸۵ ارجاع می‌دهد. در این مورد نیز به علت فقدان مقررات خاص، در صورتی که این جرایم از طریق رادیو یا تلویزیون ارتکاب یابند، قواعد عمومی مسئولیت کیفری حاکم خواهد بود.

در ماده ۲۱ قانون فروش نوبله‌ها، پیش از اصلاحات ژانویه ۱۹۹۱، پیش‌بینی شده بود که مجازاتهای ذی‌ربط؛

«بر تمامی متصدیان تبلیغات، دلایلی تبلیغات و سازندگان وسایل تبلیغاتی و همچنین مدیران مطبوعات و عاملین توزیع که این تبلیغ غیرقانونی را انجام یا دستور انجام آن را داده، یا انجام آن را تأیید کرده‌اند، حاکم خواهد بود».

ولی در قانون فعلی هیچ اشاره‌ای به این موارد نشده است.

در زمینه جرایم مندرج در مقررات مربوط به تبلیغ برای دخانیات نیز به همین ترتیب است. پیش از قانون ژانویه ۱۹۹۱ ماده ۱۵ قانون ۹ ژانویه ۱۹۷۶ مقرر می‌داشت:

«افرادی که برای آنها این تبلیغ غیرقانونی یا هر عمل ممنوع دیگری ارتکاب یافته باشد، به عنوان عاملین اصلی این جرایم در نظر گرفته می‌شوند».

در این مورد هم قانون جدید اشاره‌ای ندارد. ماده ۱۲۱-۵ قانون مصرف (ماده ۴۴ قانون ۲۷ دسامبر ۱۹۷۳ سابق) در زمینه مجازات تبلیغات غیرواقعی مقرر می‌دارد:

«فردی که به حساب او این تبلیغات منتشر و توزیع شده، به عنوان عامل اصلی جرم ارتكابی مسؤول است. در صورتی که این مسؤولیت متوجه یک شخص حقوقی باشد، مدیران این شخص حقوقی مسؤول خواهند بود. بر اساس قواعد عمومی جرایم و مجازاتها، شریک جرم نیز قابل تعقیب است».

قانون ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ - که بعضی از قوانین دیگر حقوق ارتباطات فرانسه، حداقل در بعضی از موارد، از آن الهام گرفته - هرچند با وضع رژیم مسؤولیت طولی و مقررات مشارکت در جرم، نوعی رژیم مسؤولیت کیفری ویژه را تعریف کرده، لیکن با تعیین

موارد مصونیت نوعی عدم مسؤولیت را به نفع افرادی که طبق معمول باید مسؤول قلمداد شوند، ایجاد کرده است.

۲. مصونیتها

جرایم رسانه‌ای ممکن است یا از جمله جرایم مصرحه در قانون ۱۸۸۱ یا سایر قوانین که در هر حال احتمال دارد از طریق رسانه‌های نوشتاری یا سایر ابزار و روشهای انتشار، ارتکاب یابند هستند، اما رژیم مصونیتها، بدون اینکه الزاماً با این عناصر انطباق یا همبستگی داشته باشد، جنبه‌های گوناگون یا آثاری متفاوت خواهد داشت. در بعضی موارد مصونیت امری کاملاً نسبی است و تنها به انتقال ساده مسؤولیت از دوش فردی که می‌بایست مسؤول باشد به فرد دیگری می‌انجامد. ولی در موارد دیگر، مصونیت نسبت به مسؤولیت کیفری امری مطلق خواهد بود. برای مثال، هنگامی که مسؤولیت یک مدیر به علت مصونیت پارلمانی مندرج در اصل ۲۶ قانون اساسی، به معاون او منتقل می‌شود، می‌توان مصونیت را نسبی دانست. بر همین اساس، ماده ۶ قانون ۱۸۸۱ نیز مقرر می‌دارد:

«هنگامی که مدیر رسانه‌ای از مصونیت پارلمانی بهره‌مند باشد، او باید معاونی برای خود انتخاب کند که از مصونیت پارلمانی برخوردار نباشد».

همین ماده در آخرین بند خود تصریح می‌کند:

«تمامی تعهدات قانونی که متوجه مدیر باشد، بر عهده معاون او قرار خواهد گرفت».

به هر حال این امر، چیزی بیش از انتقال ساده‌ی مسؤولیت نیست. حال، این سؤال مطرح است که آیا این مصونیت تنها متوجه جرایم مصرحه در قانون ۱۸۸۱ است یا تمام جرایم مرتبط با وسایل ارتباط جمعی را شامل می‌شود؟^۹

این رژیم عدم مسؤولیت یا به عبارت دقیقتر، انتقال مسؤولیت به موجب قانون ۱۳

^۹ ماده ۲۶ قانون اساسی: «به جز در موارد جرم مشهود هیچ عضوی از اعضای پارلمان نباید در مدت اجلاس تحت عناوین جنایی یا جنحه‌ای مورد تعقیب یا توقیف قرار گیرد. مگر اینکه این امر با اجازه مجلس مربوط صورت گیرد.»

هیچ‌یک از اعضای پارلمان، در خارج از جلسه جز با اجازه دفتر مجلس ذی‌ربط نباید بازداشت شود. مگر در موارد جرم مشهود، تعقیبات مجاز، یا محکومیت قطعی حبس یا تعقیب یک عضو پارلمان در صورت درخواست مجلس ذی‌ربط معلق خواهد شد.»

دسامبر ۱۹۸۵ در زمینه‌ی وسایل ارتباطی سمعی و بصری نیز بدون توجه به متنی که به این جرایم تصریح داشته، مشاهده می‌شود.

هرچند مصونیتها یا عدم مسؤولیتهای مندرج در ماده ۴۱ قانون ۱۸۸۱، به بعضی از امور و موارد خاص محدود می‌گردد، ولی از نظر آثار، از نوعی عمومیت و اطلاق برخوردار است. در این ماده چنین آمده است:

«گزارشهای جلسات علنی پارلمان که با حسن نیت در روزنامه‌ها منتشر شده، مورد تعقیب قرار نخواهد گرفت».

امروزه بدون شک می‌توان این ماده را شامل موارد منتشر شده از طریق رادیو و تلویزیون یا هر وسیله‌ی ارتباطی دیگر، دانست. همچنین، این ماده در بند سوم خود مقرر می‌دارد که:

«گزارش صحیح و همراه با حسن نیت پرونده‌های قضائی موجب تعقیب کیفری تحت عناوین توهین، افترا و هتک حرمت نخواهد شد».

با توجه به این مقررات، نوعی رژیم عدم مسؤولیت [شبه مطلق] را در این‌گونه موارد که عمل انتشار با حسن نیت صورت گرفته باشد، مشاهده می‌کنیم. ولی رژیم عدم مسؤولیت کیفری که در مواردی تنها به بعضی از جرایم محدود است. این امکان را می‌دهد که مسؤولیت مدنی یا مسؤولیت جبران خسارت وارد شده، جایگزین آن گردد. در مورد عفو نیز همین امر صادق است. ولی با توجه به نتایج این امر، افزایش مدت مرور زمان برای اقامه دعوی حقوقی در مورد جرایم مندرج در قانون ۱۸۸۱، امری طبیعی است.

بدین ترتیب، هرگاه عناصر متشکله جرایم مرتبط با وسایل ارتباطی جمع شود و با توجه به مقررات قانونی مختلف و بعضاً پراکنده و با در نظر گرفتن موارد استثنایی مسؤولیت به فردی منتسب گردد جرم محقق شده است. این جرم می‌تواند موضوع دعاوی جبران خسارت یا دعاوی کیفری قرار گیرد که آنها نیز حداقل از جهاتی تابع مقررات خاص خود خواهند بود.

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. 1, NO.1

2002 / 1

Articles

- The Commercial Code of Iran and Necessity of its Amendment
- Development of International Responsibility in Shadow of International Environmental Law
- Reflections on Legal Place of the Supreme Administrative Council and Hierarchy of its Regulations
- Abusive Clauses in General Rules of Contracts
- International Law and Politics

Special Issue: Press Law

- Press Crimes (Around - table)
- Legal Limits of Liberty of Press in USA during of War
- The Civil and Criminal Liability Regime of Press in French Law
- The Press Complaints Procedure in the British Law

Report

- The First Conference on Teaching and Research of International Law in Asia
- The S.D. Institute of Law, Research & Study



S. D. I. L.
The S.D. Institute of Law
Research & Study